

پازدهم عربی زبان قرآن

(رشته های ریاضی و تجربی)



درس نامه کامل ▲

پرسش های چهارگزینه ای (تألیفی و کنکور و مسابقات) ▲

پاسخ نامه تشریحی با نکته های کلیدی ▲

برای داوطلبان رشته های برتر دانشگاه های مشهور ▲

خدیجه علیپور

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَظِيمِ



به نام خداوند جان و فرد
کزین برتر اندیشه برنگذر

دانش آموزان گرامی

ورود شما را به دوره دوم متوسطه تبریک می‌گوییم. این دوره، شما را برای زندگی و کار در جامعه و تحصیل در دوره‌های بالاتر آماده می‌کند. اگر بگوییم آینده شغلی شما بستگی به موفقیت تحصیلی شما در این دوره سه ساله دارد، اغراق نکرده‌ایم. شما برای موفقیت در این دوره باید تلاش کنید و از مشاوران و معلمان و کتاب‌های مناسب برخوردار شوید.

ما در انتشارات مبتکران، بسیار خرسندیم که کتاب‌های عربی زبان قرآن را در اختیار شما قرار می‌دهیم. این کتاب، برای دانش‌آموزانی به رشته تحریر در آمده است که مایلند در بهترین رشته‌های دانشگاهی تحصیل کنند. مؤلف محترم کتاب عربی پس از ارائه درسنامه جامع، بانک سؤال کاملی را در اختیار شما قرار می‌دهد که شامل پرسش‌های چهارگزینه‌ای کنکور و پرسش‌های تألیفی است. این پرسش‌ها براساس فصل‌ها و بخش‌های کتاب درسی طبقه‌بندی شده‌اند.

مطالعه پاسخنامه تشریحی همراه با نکته‌های کلیدی و آموزنده، موفقیت شما را تسهیل خواهد کرد. در پایان، وظیفه خود می‌دانیم از مؤلف محترم این کتاب، سرکار خانم خدیجه علیپور و دبیر محترم مجموعه جناب مهندس هادی عزیززاده تشکر کنیم.

همچنین از خانم‌ها سپیده خداوردی (حروفچین و صفحه‌آرا) و بهاره خدای (گرافیک و طراح جلد) ممنونیم و برای همه این عزیزان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

انتشارات مبتکران



٧	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ
		من آياتِ الأَخلاقِ
٤٥	الدَّرْسُ الثَّانِي
		في مَحَضَرِ المَعْلَمِ
٧٧	الدَّرْسُ الثَّالِثُ
		عَجَائِبُ الأشْجارِ
١٠٩	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
		آدابُ الكَلَامِ
١٣٩	الدَّرْسُ الخَامِسُ
		الكُذْبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ. (صلى الله عليه و آله و سلم)
١٧٥	الدَّرْسُ السَّادِسُ
		آتِه ماري شيميل
٢٠٥	الدَّرْسُ السَّابِعُ
		تأثيرُ اللُّغَةِ الفَارِسيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ
٢٣٦	سؤالات كنكور ٩٨
٢٤٠	پاسخ سؤالات كنكور ٩٨
٢٤٣	سؤالات كنكور ٩٩
٢٤٥	پاسخ سؤالات كنكور ٩٩

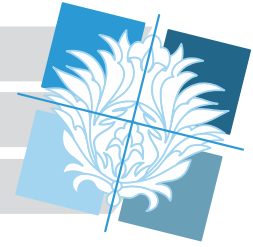
الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



ترجمه درس اول

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

از آیه‌های اخلاق



﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

«به نام خداوند بخشاینده مهربان.»

مستتر

عربی زبان قرآن با زدهم



۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ
 ۲. عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ
 ۳. وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءِ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ
 ۴. وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ
 ۵. بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ
 ۶. وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُم الظَّالِمُونَ
 ۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ
 ۸. وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا
 ۹. أُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا
 ۱۰. فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿الْخُجُرَاتُ: ۱۱ و ۱۲﴾
 ۱۱. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَن هُوَ أَحْسَنُ مِّنَّا،
 ۱۲. فَعَلَيْنَا أَن نَّبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ
 ۱۳. وَ أَنَّ لَانَذِكْرَ عُيُوبِ الْآخِرِينَ
 ۱۴. بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.
 ۱۵. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعُيُوبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.»
 ۱۶. تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَىٰ وَ تَقُولُ: لَا تَعِيبُوا الْآخِرِينَ.
- ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی دیگر را مسخره کند (شاید [ایشان] بهتر از آن‌ها باشند)
- و نه زنانی زنان دیگر را، شاید [آنان] بهتر از اینان باشند
- و از هم عیب‌جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید
- بدکار چه نام بدی است پس از ایمان آوردن
- و هر کس توبه نکرد پس آنان همان ستمکارانند
- ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان [ها] پرهیزید که برخی از گمان [ها] گناه است
- و جاسوسی نکنید و نباید غیبت همدیگر را بکنید
- آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر خود را، که مرده باشد، بخورد؟
- پس آن را ناپسند شمارید و از خدا پروا کنید که خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.
- گاهی میان مردم، کسی که او از ما نیکوتر است، می‌باشد،
- پس ما باید از خودپسندی دوری کنیم
- و عیب‌های دیگران را نشماریم
- با کلامی پنهان یا با اشاره‌ای.
- پس امیر مؤمنان علی (ع) فرموده است: «بزرگ‌ترین عیب این است که آن‌چه مانندش در تو است را عیب‌جویی کنی.»
- آیه نخست ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید.

۱۷. وَلَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْأَلْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا. و به آن‌ها لقب‌هایی را ندهید که آن‌ها را ناپسند می‌دارند.

۱۸. بئسَ العملُ الفسوقُ! و مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

آلوده شدن به گناه چه کار بدی است و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران خواهد بود.

۱۹. إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ: بنابراین خداوند بلندمرتبه در این دو آیه حرام کرده است:

۲۰. أَلَسِئْتُهُمْ بِالْآخِرِينَ، وَ تَسْمِيَتُهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ. ریشخند کردن دیگران را، و نام دادن آن‌ها به اسم‌های زشت.

۲۱. سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

بدگمانی را، و آن تهمت زدن شخصی به شخصی بدون دلیلی منطقی است.

۲۲. التَّجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.

جاسوسی کردن را، و آن تلاشی زشت برای آشکار کردن رازهای مردم به منظور رسوایی آن‌ها است.

۲۳. وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

و آن از گناهان بزرگ و از اخلاق‌های زشت در مکتب ماست.

۲۴. وَ الْغَيْبَةَ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

و غیبت کردن را، و آن از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط میان مردم است.

۲۵. سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.

برخی از مفسران سوره حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، به سوره اخلاق نام نهاده‌اند.



قواعد درس اول

اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ



اسم تفضیل: اسمی است که برای بیان برتری کسی یا چیزی و یا «کم‌تر» و یا «زیادتر» بودن صفتی در موردی نسبت به مورد دیگر را بیان می‌کند.

* اسم تفضیل مذکر: بر وزن «أَفْعَل» ساخته می‌شود.

مثال: أَعْظَمُ، أَثْقَلُ، أَصْغَرُ (بزرگ‌تر - سنگین‌تر - کوچک‌تر)

مثال: عَلِيٌّ أَصْغَرَ مِنْ أَخِيهِ. (علی از برادرش کوچک‌تر است.)

* اسم تفضیل مؤنث: بر وزن «فُعْلَى» ساخته می‌شود.

مثال: عَظْمَى، ثُقَلَى، صُغْرَى (بزرگ‌تر - سنگین‌تر - کوچک‌تر)

مثال: نَحْنُ نَعِيشُ فِي الْقَرْيَةِ الصُّغْرَى: ما در روستای کوچک‌تر زندگی می‌کنیم.

نکته ۱: کلماتی که بر وزن «أَفْعَل» می‌آیند در صورتی اسم تفضیل هستند که بر رنگ و عیب دلالت نکنند.

برخی رنگ‌ها در زبان عربی: «أَحْمَرُ» (قرمز)، «أَزْرَقُ» (آبی)، «أَسْوَدُ» (سیاه)، «أَبْيَضُ» (سفید)، «أَصْفَرُ» (زرد)، «أَخْضَرُ» (سبز).

برخی عیب‌ها در زبان عربی: «أَحْمَقُ» (کم‌عقل)، «أَبْتَرُ» (بریده شده)، «أَعْوَجُ» (کج، خمیده)، «أَعْرَجُ» (لنگ)، «أَصَمُّ» (کَر، ناشنوا)، «أَبْكَمُ» (کر و لال)، «أَخْرَسُ» (لال)، «أَعْمَى» (کور، نابینا)

مثال‌های فوق همگی بر وزن «أَفْعَل» هستند اما چون بر رنگ و عیب دلالت دارند، نمی‌توان آن‌ها را اسم تفضیل به شمار آورد.

نکته ۲: گاهی اسم تفضیل (بدون ال) شبیه فعل ماضی باب «إِفْعَال» می‌شود در چنین موردی باید به معنی جمله دقت کنیم.

(اسم تفضیل) ← مثال: فُوَادٌ أَحْسَنُ الطَّلَابِ: فُوَادٌ بَهْتَرِينَ دَانِشْ آمُوزَانِ اسْت.

(فعل ماضی) ← مثال: فُوَادٌ أَحْسَنَ بِأَصْدِقَائِهِ: فُوَادٌ بَه دُوسْتَانِشْ نِیْکِیْ کُرد.

نکته ۳: هرگاه دو طرف مقایسه مؤنث باشند از «أَفْعَل» برای بیان برتری استفاده می‌شود.

مثال: زَهْرَاءُ أَصْغَرُ مِنْ مَرْيَمَ: زَهْرَاءُ كُوجِکْ تَرِ از مَرْيَمِ اسْت.

* اسم تفضیل برای مؤنث زمانی بر وزن «فُعْلَى» می‌آید که بخواهیم برای آن اسم مؤنث، صفت بیاوریم.

مثال: جَاءَتْ فَاطِمَةُ الصُّغْرَى: (فاطمه کوچک‌تر آمد.)

اسم تفضیل مؤنث

نکته ۴: «أَوَّلُ» اسم تفضیل مذکر و مؤنث آن «أُولَى» می‌باشد. (نخستین)

نکته ۵: کلمه «آخِر» اسم تفضیل مذکر و مؤنث آن «أَخْرَى» است. (دیگری)

* کلمه «آخر» اسم فاعِلِ مذکر است و مؤنث آن «آخرة» است.

◆ **مثال:** الدُّنْيَا مزرعة الآخرة.

اسم تفضیل
برای مؤنث

اسم فاعل
برای مؤنث

◆ **نکته ۶:** گاهی وزن اسم تفضیل به شرح زیر است؛ کلماتی هم چون اقلّ (کم تر، کم ترین)، اشدّ (شدیدتر، شدیدترین)،

أحبّ (محبوب تر، محبوب ترین)، أعلى (بلندتر، بلندترین)، أغلی (گران تر، گران ترین)، أهمّ (مهم تر، مهم ترین) اسم تفضیل هستند.

◆ **نکته ۷:** اسم تفضیل، دو معنی «تر» و «ترین» دارد. اما اگر پس از آن «من» (حرف جر به معنای «از») بیاید، به صورت

«تر» ترجمه می شود. (صفت برتر)

◆ **مثال:** غُرْفَتِي أَكْبَرُ مِنْ غُرْفَتِكَ: اتاق من از اتاق تو بزرگ تر است.

* اگر پس از اسم تفضیل حرف «من» نیاید معمولاً به صورت «ترین» ترجمه می شود. (صفت برترین)

◆ **مثال:** أخی أَحْسَنُ طَبِيبٍ. برادرم بهترین پزشک است.

◆ **نکته ۸:** جمع اسم تفضیل بر وزن «أفعل» است؛ در عبارت زیر به دو کلمه «الأراذل و الأفاضل» دقت کنید.

◆ **مثال:** «إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل.»

جمع مکسر «أرذّل» جمع مکسر «أفضّل»

◆ **نکته ۹:** دو اسم «خیر و شرّ» اگر به معنی «بهترین و بدترین» و «بهتر و بدتر» باشند، اسم تفضیل هستند.

◆ **مثال:** أولئك خیرُ النَّاسِ. (آنان بهترین مردم هستند.)

◆ **مثال:** هم شرّ الأولاد. (آنها بدترین فرزندان هستند.)

* «خیر و شرّ» گاهی در معنای «وصفی» هستند؛ نیک، بد

◆ **مثال:** إفعلوا أعمال الخیر. (کارهای نیک انجام دهید.)

◆ **مثال:** عمَلک الشرُّ یضرنّا. (کار بد تو به ما آسیب می رساند.)

* «خیر و شرّ» گاهی در معنای «مصدر» هستند؛ نیکی، بدی

◆ **مثال:** أنا أحبُّ الخیر. (من نیکی کردن) را دوست دارم.)


◆ **مثال:** یا ربّ أبعدنی مِنَ الشرِّ. (پروردگارا مرا از بدی کردن) دور کن.)

ترجمه «قد»:

* «قد» حرفی است که بر سر فعل ماضی و مضارع می آید.


* هرگاه بر سر فعل مضارع بیاید معنی تقلیل (شاید، به ندرت، گاهی) می دهد.



 **مثال:** قَدْ يَتُوبُ الْكَافِرُ. (به ندرت کافر توبه می کند.)

مضارع

* هرگاه بر سر فعل ماضی بیاید فعل، معادل ماضی نقلی فارسی ترجمه می شود.

 **مثال:** قَدْ اجْتَنَبَ الْمُؤْمِنُ مِنَ الْعُجْبِ. (مؤمن از خودپسندی دوری کرده است.)

ماضی

اسم المكان:

اسم مکان، اسمی است که بر مکان دلالت می کند و غالباً دارای سه وزن است:

۱. مَفْعَل، مانند: مَكْتَب (دفتر)

۲. مَفْعِل، مانند: مَسْجِد (محل سجده)

۳. مَفْعَلَةٌ، مانند: مَدْرَسَةٌ (محل درس خواندن)

* جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می آید.

مَنْزِل ← مَنَازِل / مَطْعَم ← مَطَاعِم

مبتدیان



■ عَيْنُ الْأَصْحَى وَالْأَدَقُّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ: (۱ - ۵۰)

۱. ﴿اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾:

(۱) از گمان‌های بسیار دوری کنید زیرا برخی از آن‌ها گناه هستند.

(۲) بسیار از گمان دوری کردند زیرا آن گمان‌ها گناه بودند.

(۳) از گمان بردن بسیار دوری کنید همانا برخی از گمان [ها] گناه هستند.

(۴) از گناه بسیار باید دوری کنید همانا برخی از آن‌ها زشت هستند.

۲. «عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعدَ عَنِ الْغَيْبَةِ لِأَنَّهَا مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.»:

(۱) ما همیشه باید از غیبت کردن دور باشیم چه بسا آن از علل مهم بریدن روابط میان مردم باشد.

(۲) ما از غیبت دوری می‌کنیم چرا که از مهم‌ترین علت‌های قطع رابطه میان مردم می‌باشد.

(۳) بر ماست که از بدگویی دوری کنیم زیرا آن از دلایل مهم بریدن ارتباط میان انسان‌هاست.

(۴) ما باید از غیبت کردن دوری کنیم زیرا آن از مهم‌ترین علت‌های بریدن پیوند میان مردم است.

۳. «بَسَّ الْعَمَلُ الْعُجْبُ فَهُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ وَمِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.»:

(۱) عیب‌جویی چه عمل بدی است، پس آن بزرگ‌ترین گناهان و یک اخلاق زشتی است.

(۲) خودپسندی چه کار بدی است، پس آن از گناهان بزرگ و از اخلاق‌های زشت است.

(۳) چه بد است خودخواه بودن، زیرا آن از بزرگ‌ترین گناهان و از عادت‌های بد است.

(۴) کار عجیب و شگفت بسیار بد است، پس آن بزرگ‌ترین گناه و از اخلاق‌های زشت است.

۴. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(۱) لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا: تجسس نکنید و برخی نباید برخی را تحقیر کنند.

(۲) أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا؟! آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده، بخورد؟!!

(۳) أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ: بزرگ‌ترین عیب‌ها این است که عیب‌نشماری آن‌چه را که مانندش در تو است.

(۴) لَا تَلْقَبُوا الْآخِرِينَ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا: دیگران را به لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌شمارید، لقب ندهید.



۵. عَيْنِ الْخَطَا:

۱) عَسَى أَنْ يَكُونَ اسْتِهْزَاءً وَ احْتِقَارُ النَّاسِ مِنْ أَكْبَرِ الْعُيُوبِ: شاید ریشخند کردن و تحقیر کردن مردم از بزرگ‌ترین عیب‌ها باشد.

۲) قَدْ نَصَحَنَا الْقُرْآنُ أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ تَسْمِيَةِ النَّاسِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: قرآن ما را نصیحت کرده که از نام‌گذاری مردم به اسم‌های زشت دوری کنیم.

۳) قَدْ يَكُونُ فِي الْأُسْرَةِ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنَّا فَعَلَيْنَا بِاحْتِرَامِهِ: شاید در خانواده، کسی از ما بزرگ‌تر می‌باشد، پس ما باید به او احترام کنیم.

۴) رَبُّمَا سُوءُ الظَّنِّ أَدَّى إِلَى فَضْحِ الْمَرْءِ وَ هَذَا مِنْ أَقْبَحِ الذُّنُوبِ: قطعاً بدگمانی‌ها به رسوایی انسان می‌انجامد و این از بزرگ‌ترین گناهان است.

۶. «يُؤَكِّدُ فِي الْقُرْآنِ أَنَّ مِنَ وَاجِبِنَا السَّعْيُ فِي سَبِيلِ الاسْتِفَادَةِ الصَّحِيحَةِ مِنَ النُّعْمِ الْإِلَهِيَّةِ لِلسَّيْرِ نَحْوَ الْكَمَالِ!»: (سراسری ۸۷)

۱) قرآن به ما تأکید می‌کند که از وظایف ما سعی و کوشش در راه‌های استفاده از موهبت‌های الهی و تحرک به سمت کمال می‌باشد!

۲) در قرآن تأکید می‌شود که سعی و کوشش در راه استفاده صحیح از نعمت‌های الهی برای حرکت به سوی کمال بر ما لازم است!

۳) تأکید قرآن این است که بر ما لازم است که در راه کاربرد صحیح نعمت‌های الهی و تحرک به سمت رشد و کمال سعی کنیم!

۴) در قرآن تأکید شده است که از واجبات ما تلاش در مسیر کاربرد صحیح از نعمت‌های الهی و حرکت به سوی کمال می‌باشد.

۷. «لِلْأَيَّامِ الْمَاطِرَةِ ظَاهِرَةٌ جَمِيلَةٌ تَتَكَوَّنُ مِنَ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ تَجْعَلُ السَّمَاءَ خَلَابَةً!»: (سراسری ۸۷)

۱) پدیده‌ای زیبا در روزهای بارانی در آسمان وجود دارد با رنگ‌هایی متنوع و آسمانی دیدنی و دلربا!

۲) روزهای بارانی پدیده‌ای زیبا دارد که از رنگ‌های مختلف که آسمان را دلربا می‌کند، تشکیل می‌شود!

۳) روزهای بارانی پدیده‌ای زیبا از رنگ‌های متفاوت تشکیل می‌دهد و آسمان را زیبا می‌سازد و چشم‌ربا!

۴) پدیده‌ای زیبا برای روزهای بارانی است که آسمان به سبب آن دلربا شده و رنگ‌های مختلفی به وجود می‌آورد!

۸. «عَلَيْنَا أَنْ نَسْعَى لِلِاسْتِفَادَةِ مِنَ النُّعْمِ الْإِلَهِيَّةِ فِي طَرِيقِ حَرَكَتِنَا نَحْوَ الْكَمَالِ!»: (سراسری ۸۷)

۱) بر ماست که برای استفاده از نعم الهی و رسیدن به کمال و رشد سعی و تلاش کنیم!

۲) ما باید برای استفاده از نعمت‌های الهی در راه حرکتمان به سوی کمال سعی و تلاش کنیم!

۳) ما برای بهره‌مندی از مواهب الهی در طریق حرکت به سوی سعادت و کمال خویش باید کوشش کنیم!

۴) بر ما لازم است که جهت بهره‌وری از نعمت‌های الهی در حرکت خویش به سمت رشد و کمال سعی کنیم!





۱۳. «يَرَى الْكَافِرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّ أَعْمَالَهُ السَّيِّئَةَ تَشْهَدُ عَلَيْهِ، وَلَا بُدَّ مِنْ ذَلِكَ!»: (سراسری ۸۹)

- ۱) انسان کافر روز قیامت را در حالی که اعمال بدش علیه او شهادت می دهند، خواهد دید، و راه فراری هم ندارد!
- ۲) کافر روز قیامت را می بیند که کارهای بد او بر ضدّ وی شاهد هستند، و هیچ راه چاره‌ای برای او نیست!
- ۳) انسان کافر روز قیامت را می بیند که اعمال بد گواه او شده است، و راه گریزی هم از آن ندارد!
- ۴) کافر روز قیامت می بیند که اعمال بدش علیه او شهادت می دهند، و چاره‌ای هم از آن نیست!

۱۴. «بَعْضُ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ مُؤَثِّرَةٌ فِي ازديادِ قُدْرَةِ التَّعَلُّمِ بِسَبَبِ مِيزَاتِهَا الْخَاصَّةِ!»: (سراسری ۸۹)

- ۱) بعضی مواد غذایی در افزایش نیروی آموزش به دلیل برجستگی ویژه‌ای که دارند مؤثر می باشند!
- ۲) برخی مواد غذایی به سبب ویژگی مخصوص به خود در رشد قدرت یادگیری مؤثر واقع می شوند!
- ۳) بعضی مواد غذایی به سبب ویژگی‌های خاص خود در افزایش قدرت یادگیری مؤثر می باشند!
- ۴) برخی مواد غذایی در بالا بردن نیروی آموزش به علت خصوصیت ویژه آن مؤثر واقع می شوند!

۱۵. «إِنَّ هُنَاكَ مَفَاهِيمَ بَسِيطَةً فِي الْقُرْآنِ نُدْرِكُهَا وَلَكِنْ لَا نَقْدِرُ أَنْ نَصِفَهَا.»: (سراسری ۹۰)

- ۱) مفاهیم ساده‌ای که در قرآن است قابل فهم برای ما می باشند ولی قابل وصف نیستند!
- ۲) در قرآن مفاهیم ساده‌ای وجود دارد که درکش می کنیم ولی قادر به توصیفش نیستیم!
- ۳) ما مفاهیم ساده‌ای را که در قرآن است هر چند درک می کنیم ولی قادر نیستیم آن‌ها را وصف کنیم!
- ۴) قرآن مفاهیمی دارد که هر چند ساده است و قادر به فهم آن هستیم اما برای ما قابل وصف نیستند!

۱۶. «الْأَفْضَلُ لِلطَّالِبِ أَنْ يَنْتَخِبَ فَرَعَهُ الْجَامِعِيَّ بِدَقَّةٍ حَتَّى لَا يَنْدِمَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ!»: (سراسری ۹۰)

- ۱) دانش آموز باید رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند که بعداً پشیمان نشود!
- ۲) دانش آموز خوب، رشته دانشگاهی خود را دقیق انتخاب می کند که در آینده دچار پشیمانی نشود!
- ۳) بهتر برای دانش آموز این است که رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند تا در آینده پشیمان نشود!
- ۴) برای هر دانش آموزی بهتر این است که رشته دانشگاهی خود را دقیقاً انتخاب نماید تا بعداً دچار پشیمانی نشود!

۱۷. «يُحَاسِبُ اللَّهُ الْخَلْقَ عَلَى كَثْرَتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، كَمَا يَرِزُّهُمْ عَلَى كَثْرَتِهِمْ فِي الدُّنْيَا!»: (سراسری ۹۰)

- ۱) روز قیامت حسابرس همه مردم خداوند می باشد، به گونه‌ای که در دنیا همه آن‌ها را روزی عطا می کند!
- ۲) روز قیامت خداوند به حسابرسی اکثریت خلق می پردازد، همچنان که اکثریت آن‌ها را در دنیا روزی عطا می کند!
- ۳) خداوند به حساب مردم در روز قیامت می رسد، هر چند تعدادشان کثیر است، چنان‌که در دنیا نیز با توجه به کثرتشان به آن‌ها روزی داده می شود!
- ۴) خداوند مردم را با وجود بسیار بودن تعداد آن‌ها، روز قیامت محاسبه می کند، همان‌طور که آن‌ها را با وجود بسیار بودن تعدادشان، در دنیا روزی می دهد!

۱۸. «شَعَرْتُ بِأَنَّ الشَّيْطَانَ يَقْهَقُهُ وَيَسْخَرُ مِنِّي عِنْدَ عَصْيَانِي رَبِّي!»:

- ۱) گویی شیطان قهقهه می‌زد و مرا مسخره می‌کرد زمانی که پروردگارم را نافرمانی کردم!
- ۲) هنگام نافرمانی از پروردگارم احساس کردم که شیطان قهقهه می‌زند و مرا مسخره می‌کند!
- ۳) هرگاه بر پروردگارم عصیان می‌کنم احساس می‌کنم مورد تمسخر و قهقهه شیطان واقع شده‌ام!
- ۴) احساس کردم گویی این قهقهه شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگارم مرا مسخره می‌کند!

(سراسری ۹۰)

۱۹. «أَخَذَتْنِي الدَّهْشَةُ عِنْدَمَا شَاهَدْتُ اجْتِهَادَ زَمِيلَاتِي فِي أَدَاءِ واجِبَاتِهِنَّ أَكْثَرَ مِنْ غَيْرِهِنَّ!»:

- ۱) آن‌گاه که تلاش دوستان خود را که پیش از دیگران در ادای وظایف خویش می‌کوشیدند می‌بینم در شگفت می‌شوم!
- ۲) وقتی سعی رفقایم را بیش‌تر دیدم که در انجام دادن وظایفشان تلاش می‌کنند، تعجب و حیرت مرا فرا گرفت!
- ۳) آن‌گاه که فعالیت همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیف بیش‌تر از سایرین دیدم سخت حیرت کردم!
- ۴) وقتی تلاش همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیفشان بیش از دیگران دیدم حیرت مرا فرا گرفت!

(سراسری ۹۰)

۲۰. «إِنَّا مُكَلَّفُونَ بِالْإِتِّفَاعِ مِنَ الطَّيِّبَاتِ الَّتِي خُلِقَتْ لَنَا فِي حَيَاتِنَا، لِأَنَّهَا تَضْمَنُ سَلَامَةَ أَرْوَاحِنَا وَ أَبْدَانِنَا!»:

- ۱) ما به استفاده از پاکیزه‌هایی که برای ما در زندگی مان آفریده شده است، مکلف شده‌ایم، زیرا آن‌ها سلامت روح‌ها و بدن‌های ما را تضمین می‌کنند!
- ۲) ما به بهره بردن از روزی‌های پاکی که برای ما به وجود آمده است، مکلف هستیم، زیرا که سلامت روان و جسممان را تضمین می‌کنند!
- ۳) ما مکلف به بهره‌مند شدن از روزی‌های پاکی شده‌ایم که خداوند برای ما خلق کرده، تا در زندگانی سلامتی روان‌ها و بدن‌هایمان را تضمین کنند!
- ۴) ما مکلف هستیم که از پاکیزه‌هایی که آفریده شده‌اند در زندگی استفاده کنیم، چه سلامت روح و بدن را تضمین می‌کنند!

(سراسری ۹۰)

۲۱. عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) النَّاسُ بَعْضُهُمْ يَطْمِئِنُّ قَلْبُهُمْ عَنِ طَرِيقِ الْعِلْمِ فَقَطْ،: گاهی مردم فقط از راه علم، قلبشان اطمینان می‌یابد،
- ۲) وَالْقُرْآنُ يَتَّخِذُ أُسْلُوبًا خَاصًّا لِدَعْوَةِ هَؤُلَاءِ النَّاسِ،: و قرآن برای دعوت این مردم روش خاصی به کار می‌گیرد،
- ۳) هَذَا الْأُسْلُوبُ يَتَّكِي عَلَى الْبَرَاهِينِ وَالْأَدَلَّةِ الْعِلْمِيَّةِ،: این روش بر برهان‌ها و دلایل علمی تکیه دارد،
- ۴) وَبِهَذِهِ الْآيَاتِ الْعِلْمِيَّةِ تَطْمِئِنُّ قُلُوبُهُمْ تَمَامًا!،: و با این آیات علمی قلب‌هایشان کاملاً اطمینان می‌یابد!

(سراسری ۹۰)

۲۲. «الشَّبَابُ الَّذِينَ يَعِيشُونَ فِي وَفُورِ النِّعْمَةِ يَقِفُونَ فِي وَجْهِ الْمَصَاعِبِ أَقَلَّ مِنَ السَّائِرِينَ.»:

- ۱) از جوانان آنان که در برابر دشواری کم‌تر از سایرین ایستادگی می‌کنند، در فراوانی نعمت زندگی کرده‌اند.
- ۲) جوانان همان کسانی‌اند که در وفور نعمت به‌سر برده و کم‌تر از سایرین در برابر سختی مقاومت کرده‌اند.
- ۳) از جوانان کسانی که در فراوانی نعمت زندگی می‌کنند مقابل دشواری‌ها کم‌تر از دیگران می‌ایستند.
- ۴) جوانانی که در وفور نعمت زندگی می‌کنند در برابر سختی‌ها کم‌تر از دیگران ایستادگی می‌کنند.





۲۳. «كَلِمَةٌ خَيْرٌ تُقِيْدُ، أَفْضَلُ مِنْ كِتَابٍ لَافَائِدَةٌ لَهُ.»:

- ۱) کلمه خوب پرفایده، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای به کسی نرساند!
- ۲) سخن نیکی که تو از آن بهره ببری، برتر است از کتابی که هیچ فایده‌ای نرساند!
- ۳) یک کلمه خوب که مفید باشد، بهتر از کتابی است که هیچ فایده‌ای نداشته باشد!
- ۴) یک سخن نیک که فایده‌ای برساند، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای در آن نباشد!

(ریاضی ۹۶)

۲۴. «الزَّمِ التَّفَكَّرَ وَ التَّعَلَّمَ فَهُمَا أَمْرَانِ قَدْ شَجَّعَ الْإِسْلَامَ الْمُسْلِمِينَ بِهِمَا مُنْذَ ظُهُورِهِ!»:

- ۱) همراه تفکر و آموختن باش، زیرا این امور از ابتدای ظهور اسلام مورد تأکید بوده و مسلمانان به آن تشویق شده‌اند!
- ۲) تفکر و تعلیم بر تو واجب است، چه این دو امر همان است که اسلام از ابتدای ظهور به مسلمانان تأکید کرده است!
- ۳) بر تفکر و آموزش متعهد باش، زیرا آن‌ها اموری هستند که اسلام از ابتدای ظهورش مسلمین را بدان‌ها تشویق کرده است!
- ۴) پایبند تفکر و یادگیری باش، چه آن‌ها دو امری هستند که اسلام از ابتدای ظهورش مسلمانان را بدان‌ها تشویق کرده است!

(سراسری ۸۸ با تفسیر)

۲۵. «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ يَاقُومُ بِتَأْدِيبِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِ غَيْرِهِ!»:

- ۱) بهترین مردم آن کسی است که خود را قبل از دیگران تأدیب کند!
- ۲) بلندمرتبه‌ترین مردم کسی است که قبل از دیگری به تأدیب خود بپردازد!
- ۳) فاضل‌ترین مردم آن کسی است که ادب کردن نفس خویش را بر دیگران ترجیح دهد!
- ۴) برترین مردم کسی است که قبل از تأدیب دیگری به ادب کردن خود بپردازد!

(ریاضی ۹۶)

۲۶. «امروز در جهان کنونی ترک کردن کوچک‌ترین اشتباهات، از بزرگ‌ترین فضیلت‌ها بشمار می‌آید.»:

- ۱) الیوم فی العالم الحالی ترک أصغر الخطأ يعتبر من أكبر فضائلک.
- ۲) الیوم فی العالم المعاصر ترک أصغر الأخطاء یعدّ من أكبر الفضائل.
- ۳) هذه الأيام فی العالم الحالی ترک أصغر معاصیک یعدّ من أكبر فضائلک.
- ۴) هذا الیوم فی العالم المعاصر ترک الاشتباهات الأصغر يعتبر من فضائل أكبر.

۲۷. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- ۱) سَمَى الْوَالِدُ وَوَلَدَهُ بِالاسْمِ الْحَسَنِ: نامیدن
- ۲) كَشَفَ أَسْرَارَ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ أَمْرٌ قَبِيحٌ: رسوایی‌ها
- ۳) عَلَيْنَا أَنْ لَا نَعِيبَ بَعْضُنَا بَعْضًا: عیب‌جویی نکنیم
- ۴) تَحَدَّثَ الْبَائِعُ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ فِي الْمَتَجَرِّ: آرام

۲۸. عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ: بسیار مهربان
- ۲) قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ الْغَيْبَةَ لِلنَّاسِ: حرام کرده است
- ۳) وَ لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ: القاب زشت ندهید
- ۴) عَابَتِ هَؤُلَاءِ النِّسَاءُ بَعْضُهُنَّ بَعْضًا: جاسوسی کردند

۲۹. عین الصحیح:

- (۱) هذه اللُّحومُ البحريَّةُ أَفْضَلُ طَعَاماً: گوشت
- (۲) لا يَكْرَهُ الفاسقُ المِجادلةَ بين النَّاسِ: ناپسند نمی شمارد
- (۳) جَعَلَتْ الأوراقَ في المَطْبَعَةِ مساءً: آشپزخانه
- (۴) إِنَّ اللهَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ: خوار شد

۳۰. عین الصحیح:

- (۱) أَدْعُ إلى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكمةِ وَالموعظةِ الحسنةِ: فرا می خوانم
- (۲) إِنَّ رَبِّي أَعْلَمُ بِالمُتهدِّينَ: داناتر
- (۳) مَرحِباً بِكَ يا زَميلِي لَيْسَ أَفْضَلُ مِنْكَ خُلُقاً: همکار
- (۴) المِيزانُ أَصيحُّ تَقبِلاً بِهذهِ الفَوَاكِهِ: سینی

۳۱. ما هُوَ المُناسبُ لِلفراغينِ حَسَبَ التَّرجمة؟ «أَحَبُّ عبادِ اللهِ إلى اللهِ أَنْفَعُهُم لِعِبادِهِ.»

«..... بندگان خدا نزد خدا آن‌ها نسبت به بندگان است.»

- (۱) محبوبیت - سودمند
- (۲) محبوب‌ترین - سودمندترین
- (۳) محبوب‌تر - سودمندتر
- (۴) دوست دارم - سود می‌رسانم

۳۲. كم خطأ جاء في الترجمة؟ «صارَ مبلغُ هذه الفساتينَ مَتينَ و ثلاثينَ ألفَ تومانٍ.» «قیمت این پیراهن‌ها صد و سی هزار تومان می‌شود.»

- (۱) ثلاثة
- (۲) اثنان
- (۳) أربعة
- (۴) واحد

۳۳. اجعل العددَ المُناسبَ حَسَبَ التَّرجمة:

«عشرونَ ناقصٌ واحدٌ يساوي

«بیست منهای یک مساوی است با نوزده.»

- (۱) عشرة
- (۲) أحد عشر
- (۳) تسعة عشر
- (۴) سبعة عشر

۳۴. عین الكلمة المناسبة للفراغ حَسَبَ التَّرجمة:

«سِتَّةٌ و سَبعونَ أحدَ عشرٍ يساوي سبعةً و ثمانينَ.»

«هفتاد و شش یازده مساوی است با هشتاد و هفت.»

- (۱) زائد
- (۲) ناقص
- (۳) تقسیم علی
- (۴) فی

۳۵. عین المناسب للفراغ حَسَبَ التَّرجمة: «أنا أَحِبُّ اللُّغةَ العَرَبیَّةَ.» «من یاد گرفتن زبان عربی را دوست دارم.»

- (۱) تعلیم
- (۲) تَعَلَّم
- (۳) تَعَلَّمَ
- (۴) عَلَّمَ

۳۶. عین الخطأ في الترجمة:

- (۱) يا أَسْمَعَ السامعينَ: ای شنواترین شنوندگان
- (۲) يا عَلَّامَ الغيوبَ: ای بسیار داننده غیب‌ها
- (۳) يا أَسْرَعَ الحاسِبينَ: ای حسابرس حساب‌کنندگان
- (۴) يا مَنْ يُحِبُّ المُحسنينَ: ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد.



۳۷. عَيْنُ الْخَطَا فِي الْجُمُوعِ الْمَكْسُورَةِ:

(۱) خَطِيئَةٌ ← خَطَايَا (۲) كَبِيرَةٌ ← كِبَائِرُ (۳) الذَّنْبُ ← ذُنُوبٌ (۴) مَيِّتٌ ← مَوْتٌ

۳۸. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ الْوَاقِعِ:

(۱) السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. (۲) يَكُونُ السَّاحِرُ خَيْرًا مِنَ الْمَسْخُورِ مِنْهُ غَالِبًا.
(۳) نَهَى اللَّهُ النَّاسَ عَنْ سُخْرِيَةِ الْآخِرِينَ. (۴) سَوْءُ الظَّنِّ هُوَ أَنْ نُحَسِّنَ شَخْصًا.

۳۹. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ عَلَى حَسَبِ التَّرْتِيبِ:

«فِي ذَلِكَ الْمَتَجَرِّ سِرَاوِيلٌ أَفْضَلُ، تَفَضَّلُوا أَنْظُرُوا وَ يَخْتَلِفُ سِعْرُهَا حَسَبَ النَّوْعِيَّةِ.»:

(۱) بازار - شلوار - ارزان تر - بفرماید - جنسها (۲) بهترین - مغازه - نگاه کردند - جنس - دامنها

(۳) مغازه - شلوارها - بهتر - نگاه کنید - جنس (۴) دکان - پیراهنها - بهترین - ببینید - کیفیت

۴۰. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ تَوْضِيحِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

(۱) الْغَيْبَةُ: ذِكْرُ الْمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِيَّةِ فِي غِيَابِ الشَّخْصِ. (۲) تَنَابُزُ الْأَلْقَابِ: تَسْمِيَةُ الْآخِرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

(۳) تَوَابٌ: الَّذِي يَكْرَهُ الْإِثْمَ وَ لَا يَقْبَلُهُ. (۴) الْعُجْبُ: الَّذِي يَتَوَاضَعُ دَائِمًا بَيْنَ النَّاسِ.

۴۱. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْمُرَادِ:

(۱) عَسَى = رُبَّمَا (۲) إِثْمٌ = ذَنْبٌ (۳) فُسُوقٌ = حَسَنَةٌ (۴) أَفْضَلٌ = أَعْلَمُ

۴۲. عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمْتَضَادِّ:

(۱) مَيِّتٌ ≠ حَيٌّ (۲) خَفِيٌَّ ≠ ظَاهِرٌ (۳) كِبَائِرٌ ≠ صَغَائِرٌ (۴) أَعْلَى ≠ أَقْلٌ

۴۳. عَيْنُ غَيْرِ الصَّحِيحِ فِي الْمْتَضَادِّ:

(۱) اِهْتَدَى ≠ ضَلَّ (۲) الْحَسَنَةُ ≠ السَّيِّئَةُ (۳) أَبْيَضٌ ≠ أَسْوَدٌ (۴) اِقْتِرَابٌ ≠ اِنْكِسَارٌ

۴۴. عَيْنُ جَوَابًا مَا جَاءَ فِيهِ الْمْتَضَادُّ:

(۱) ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (۲) عداوة العاقل خيرٌ من صداقة الجاهل.

(۳) ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾ (۴) السكوتُ ذهبٌ و الكلامُ فضةٌ.

۴۵. عَيْنُ جَوَابًا جَاءَ فِيهِ ثَلَاثَةُ أخطاءٍ فِي التَّرْجُمَةِ:

(۱) هَذَا الْقَمِيصُ الْأَصْفَرُ أَعْلَى مِنْ ذَلِكَ السَّرْوَالِ الْأَسْوَدِ: اَيْنَ پيراهنِ آبی از آن شلوار سفید ارزان تر است.

(۲) أَعْطَنِي مِنْ فَضْلِكَ خَمْسَةَ أَمْتَارٍ مِنَ الْحَرِيرِ الْأَخْضَرِ: لطفاً به من پنج متر از حریر زرد بده.

(۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخَلْقِ الْحَسَنِ: در ترازو چیزی باارزش تر از اخلاق نیکویمان نیست.

(۴) عَلَّمَنِي الْمُرْشِدُ أَنْ لَا أَنْكَسِرَ قَلْبًا أَحَدٍ فِي الْحَيَاةِ: راهنما از من خواست که قلب کسی را در زندگی ام نشکنم.

